


China's regional hegemony in Central Asia and the threat balance with Russia

Ali Akbar Jafari

Professor, Faculty of Law and Political Science, University of Mazandaran, Mazandaran, Iran (Corresponding author).


A.jafari@umz.ac.ir

 0000-0002-7543-6365

Mehrdad Fallah

Ph.D. Student of International Relations, Kharazmi University, Tehran, Iran.

Mehrdadfalah70@yahoo.com

 0000-0002-7675-893X

Abstract

Since the launch of the Belt and Road Initiative in 2013, China's presence in Central Asia has increased. Russia and China adhere to a functional division of duties in which China focuses on economic activities and Russia as the guarantor of regional security. The statement of the functional division of duties between the two governments has been questioned due to China's increasingly active presence in the military-security in the region; And China's influence throughout is increasing. Indeed, in Central Asia, a defensive Russia is facing an aggressive China. Also, the war in Ukraine will have a negative impact on the investment process and the future relations of Central Asia with Moscow, and the foreign policy and geopolitical image of the region must wait for the hegemony of China. The main question in this article is, despite the regional goals of Russia and China, what are the factors of Russia's decline and the evolution of China's role in Central Asia? The hypothesis of this research emphasizes that the growing difference between the two countries is due to their power capabilities; the interactions between Russia and China in Central Asia reveal this difference as the most vulnerable aspect of their relations. The theoretical basis of the article is based on the threat balance and the research method is descriptive-analytical. Also, the findings of the research in this regard argue that China, with its active presence in Central Asia and the establishment of a China-centered order in this region, has struck a regional balance against Russia through the One Belt One Road policy.

Keywords: Globalization, Regionalism, US-China Relations, Global Economic Order, Covid-19.

E-ISSN: 2588-6541 / Center for Strategic Research / Quarterly of Foreign Relations

Quarterly of Foreign Relations is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.



 10.22034/FR.2023.382591.1345

هژمونی منطقه‌ای چین در آسیای مرکزی و موازنه تهدید با روسیه^۱

علی اکبر جعفری

استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول).

A.jafari@umz.ac.ir

0000-0002-7543-6365

مهرداد فلاح

دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

Mehrdadfalsh70@yahoo.com

0000-0002-7675-893X

چکیده

از زمان آغاز طرح یک‌کمر بند - یک‌راه در سال ۲۰۱۳، حضور چین در آسیای مرکزی افزایش یافته است. روسیه و چین به یک تقسیم‌کارکردی از وظایف پایبند هستند که در آن چین بر فعالیت‌های اقتصادی و روسیه به‌عنوان ضامن امنیت منطقه تمرکز می‌کند. اظهار بیان تقسیم‌کارکردی وظایف بین دو دولت به‌دلیل حضور فعال فزاینده چین در بخش نظامی - امنیتی در منطقه زیر سؤال رفته است و نفوذ چین در سراسر نظم اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آسیای مرکزی در حال افزایش است. در واقع، در آسیای مرکزی روسیه تدافعی با چین تهاجمی روبه‌رو شده است. همچنین جنگ اوکراین بر روند سرمایه‌گذاری و روابط آینده آسیای مرکزی با مسکو تأثیر منفی خواهد گذاشت و سیاست خارجی و تصویر ژئوپلیتیکی منطقه هم باید منتظر هژمونی چین باشد. پرسش اصلی در این نوشتار این است که با وجود اهداف منطقه‌ای روسیه و چین، عوامل کاهش قدرت روسیه و تکامل هژمونی چین در آسیای مرکزی چیست؟ فرضیه این پژوهش تأکید دارد که اختلاف فزاینده بین دو کشور با توجه به توانایی‌های قدرت آنها است؛ که تعاملات بین روسیه و چین در آسیای مرکزی این اختلاف را به‌عنوان آسیب‌پذیرترین جنبه روابط آنها آشکار می‌سازد. پایه‌های نظری مقاله بر موازنه تهدید استوار است و روش تحقیق بر توصیفی - تحلیلی تأکید دارد. همچنین، یافته‌های پژوهش در این خصوص استدلال دارد که چین با حضور فعال در آسیای

۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز:

CC BY-NC-ND (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0>) است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۶؛ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۱/۰۸/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۱

مرکزی و ایجاد نظم چین محور در این منطقه، از طریق سیاست یک کمربند - یک راه، موازنه منطقه‌ای علیه روسیه دست زده است.

کلیدواژه‌ها: روسیه، چین، آسیای مرکزی، طرح یک کمربند - یک جاده، سازمان همکاری شانگهای، هژمونی.

شاپای الکترونیک: ۲۵۸۸-۶۵۴۱ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه روابط خارجی



 10.22034/FR.2023.382591.1345

مقدمه و بیان مسئله

در چند سال گذشته، مقام‌های روسیه و چین بر گسترش روابط خود تأکید کرده‌اند. در سال ۲۰۱۹، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، در همایش سالانه باشگاه گفتگوی والدای^۱، تا آنجا پیش رفت که از روابط بین دو کشور به‌عنوان «روابط متحد»^۲ یاد کرد (Putin, 2019). در عین حال، تولید ناخالص داخلی چین بر اساس معیارهای برابری قدرت خرید^۳ چین از ایالات متحده پیشی گرفته است و با تخمینی ۲۲/۵۳ تریلیون دلار، بیش از شش برابر روسیه (۳/۶۰ تریلیون دلار) است (CIA, 2021). از این رو، روابط این دو کشور با ظهور چین به‌عنوان یک قدرت بزرگ به چالش کشیده شده است، چالشی که در عدم تقارن فزاینده در روابط قدرت بین این دو منعکس می‌شود.

موقعیت روسیه به دلیل مشکلات ناشی از اتحاد شوروی و تهدیدهای موجود در محیط راهبردی آن، تلاش برای بازگشت به بخشی از جایگاه و وضعیت پیشین و تعارض‌ها با دولت‌های آسیای مرکزی شکننده شده است و این موضوع به دنبال بحران‌های اوکراین در سال ۲۰۱۴ و جنگ اوکراین در سال ۲۰۲۲ دچار چالش شده و مسکو را در وضعیت مخاطره‌آمیز قرار داده است و سیاست شرق‌گرایی جدی‌تری را به‌ویژه با چین در پیش گرفته است. از سوی دیگر، خیزش و برآمدن آرام چین در حوزه اقتصادی یک واقعیت در دهه‌های نخستین قرن بیست‌ویکم بوده و امکان‌هایی را برای نظام چندقطبی در دهه‌های آینده متصور ساخته و این موضوعی است که برای آمریکا و قدرت‌های بزرگ و نیاز روسیه خطرهای مهمی خواهد داشت. در واقع، روسیه بیشتر به دنبال یک سیاست خارجی موازنه‌ای دوسویه با چین و غرب در یک نظام بین‌المللی چندقطبی است، اما به دلیل رقابت راهبردی با غرب و مشکلات ناشی از جنگ اوکراین، ناگزیر به هم‌سوی با چین و ایجاد یک موازنه تدریجی جایگزین برآمده است؛ به‌عنوان مثال یکی از نشانه‌های افزایش همکاری دو کشور رضایت روسیه از حضور فزاینده چین در آسیای مرکزی و سیاست چین‌محور روسیه در

۱. valdaiclub

۲. allied relationship

۳. purchasing power

آسیای شرقی بوده است. این امر به‌ویژه در آسیای مرکزی که روسیه آن را «منطقه‌ای با منافع ویژه» می‌دانست به‌طور چشمگیری بیشتر شده است. حتی در همکاری دو کشور در مورد آسیای مرکزی این استدلال وجود دارد که نوعی تقسیم‌کار بین دو کشور وجود دارد که در آن چین از طریق ابتکاراتی مانند یک کمربند - یک راه^۱ بر تجارت و توسعه سرمایه‌گذاری متمرکز است، در حالی که روسیه از نظر سیاسی و نظامی سلطه دارد (صفری و رادگودرز، ۱۴۰۰، ص. ۲۸۷). در این صورت، می‌توان گفت منافع چین در تصویر مسکو به‌عنوان تأمین‌کننده امنیت منطقه‌ای با حضور نظامی در آسیای مرکزی به‌شدت دچار چالش می‌شود.

بنابراین، در ترسیم تعاملات روسیه و چین در آسیای مرکزی، روسیه مجبور شده است بخشی از میراث نفوذ تاریخی خود را به چین در آسیای مرکزی واگذار کند، اما روایت غالب در مورد حضور روسیه و چین در آسیای مرکزی ریشه در این فرض اساسی دارد که دو کشور به یک توافق پایبند هستند. تقسیم عادلانه وظایف که در آن چین بر سیاست اقتصادی تمرکز می‌کند، در حالی که روسیه به‌عنوان تأمین‌کننده امنیت منطقه عمل می‌کند. باین‌حال، سؤال اساسی در این پژوهش این است که عوامل کاهش قدرت روسیه و تکامل هژمونی چین در آسیای مرکزی چیست؟ این مقاله مقدمات اصلی موازنه تهدید را به‌عنوان ابزاری مفید برای ارزیابی تعاملات روسیه و چین در آسیای مرکزی می‌پذیرد. این به‌معنای انکار نقش ایده‌ها یا عاملیت بازیگران نخبه نیست، بلکه به‌معنای توجه به اهمیت عوامل ساختاری و شرایط و قابلیت‌های مادی است.

۱. چهارچوب نظری؛ نظریه موازنه تهدید

دهه ۱۹۹۰م. بستر مناسبی را برای پژوهش منطقه‌گرایی با استفاده از نظریه‌های روابط بین‌الملل به‌وجود آورده تا محققان با تأکید بر روندهای مختلف منطقه‌ای نقاط مختلف جهان را بررسی کنند و در نظام بین‌الملل نیز دولت‌ها تلاش خود را برای برقراری نظم و امنیت در تقابل با مناقشه‌های خشونت‌آمیز روندهای منطقه‌گرایانه به‌کار می‌گیرند؛ چرا که در نظام بین‌المللی، کشورهای قدرتمند و بانفوذ حاضر به پذیرش هزینه‌های مدیریت منازعه‌ها و برقراری نظم نیستند.

در این راستا، در مناظره‌های نظری روابط بین‌الملل نظریه موازنه «قدرت» و «موازنه

۱. Belt and Road Initiative

تهدید» به‌عنوان دو روایت غالب در خصوص شکل‌گیری نظام موازنه قوا مطرح شده‌اند. از منظر حامیان نظریه موازنه قدرت، افزایش قدرت دولت یا ائتلاف خاصی در نظام بین‌الملل نسبت به دول دیگر عامل اصلی ایجاد موازنه قوا در نظام بین‌الملل خواهد شد. استناد مورگنتا به‌وضوح شاکله فکری نظریه موازنه قدرت را نشان می‌دهد. وی در این خصوص اشاره دارد قدرت‌طلبی چند کشور که هر یک می‌کوشد وضع موجود را حفظ کنند یا براندازند، لزوماً به تشکلی به نام موازنه قدرت و سیاست‌های معطوف به حفظ آن منتهی می‌شود (چگنی‌زاده و رضوی، ۱۴۰۱، ص. ۹).

این در حالی است که از منظر نظریه موازنه تهدید متغیر «توزیع قدرت» تنها یکی از مؤلفه‌های تعریف‌کننده تهدید است و همواره منجر به ایجاد موازنه قوا نمی‌شود. از این منظر، استفان والت همسو با واقع‌گرایان تدافعی ضمن تأکید بر موازنه‌سازی به‌عنوان بنیان اصلی رفتار دولت‌ها برای بقا در وضعیت آنارشی روابط بین‌الملل (Lobell, 2010, p. 2-3)، استدلال می‌کند در صورتی که موازنه‌سازی اتحاد با دیگران در برابر تهدید غالب نسبت به دنباله‌روی همراهی با منبع خطر شایع‌تر باشد؛ در این صورت دولت‌ها از امنیت بیشتری برخوردارند؛ زیرا متجاوزان با مخالفت جمعی مواجه خواهند شد.

همچنین والت معتقد است منابع متفاوت تهدید از چهار عامل انباشت قدرت، مجاورت جغرافیایی، قدرت تهاجمی و نیت‌های تهاجمی ناشی می‌شوند. دولتی که منابع بیشتری دارد می‌تواند برای دیگران تهدید بالقوه بیشتری باشد. این انباشت قدرت می‌تواند شامل جمعیت، توانایی صنعتی و نظامی و توانایی فناورانه بیشتر نسبت به دیگران باشد. توانایی قدرت‌نمایی نیز با افزایش فاصله جغرافیایی کاهش می‌یابد. دولت‌هایی که نزدیک‌تر باشند تهدید بیشتری را می‌توانند نشان دهند تا آنهایی که دورتر هستند. دولت‌هایی نیز که نسبت به دیگران قدرت تهاجمی (به‌دلیل جغرافیا، وضعیت نظامی یا هر چیز دیگری) بیشتری دارند، می‌توانند برای دیگر دولت‌ها تهدید بیشتری ایجاد کنند. اگرچه توانایی‌های تهاجمی با مجاورت جغرافیایی و انباشت قدرت به هم‌دیگر مرتبط می‌شوند؛ ولی با هم برابر نیستند. سرانجام دولت‌هایی با نیت‌های تهاجمی حتی اگر توانایی‌های به نسبت کمی داشته باشند، می‌توانند به‌عنوان دولتی تهاجمی درک شوند (دهشیری و سعدآبادی، ۱۳۹۸، ص. ۳۳۰)؛ بنابراین، دولت‌ها نه در برابر افزایش قدرت دیگر دولت‌ها بلکه در مقابل میزان تهدیدهایی که از آنها دریافت می‌کنند، اقدام به موازنه‌سازی می‌کنند.

باین‌حال، در ارتباط با نحوه مواجهه دولت‌های سیاسی با افزایش قدرت چین در

آسیای مرکزی اتفاق نظری وجود ندارد، به طوری که به نظر می‌رسد نظریه موازنه تهدید در کنار پرداختن به تفاوت توزیع قدرت میان چین و روسیه به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های شکل گرفته تهدید، ناشی از وجود سایر زمینه تهدیدزا در مناسبات دوجانبه و منطقه‌ای این دو دولت است که سیاست یک‌کمر بند - یک‌راه آن را ایجاد و یا بر شدت آن می‌افزاید و از این طریق روسیه را به سمت اتحاد سازوکار موازنه سوق می‌دهد. در این بستر رشد قدرت اقتصادی و نظامی چین در آسیای مرکزی در سایه این موازنه قابل تأمل است.

از این رو، می‌توان آشکارا نتیجه گرفت این دیدگاه تا حدی از مادی‌گرایی صرف فاصله گرفته است و ملاحظه‌های ذهنی را مورد توجه قرار می‌دهد. در واقع، منابع ایجادکننده تهدید، نیت‌های تهاجمی است که به نقش عوامل ذهنی در شکل دادن به تحول‌ها تأکید دارد. به عبارت دیگر، تهدیدی شکل نمی‌گیرد مگر اینکه در ذهن افراد نگرشی تهدیدآمیز نسبت به برخی از موضوع‌های خاص وجود داشته باشد.

۲. نگاهی گذرا به سیر روابط چین و روسیه

روابط چین و روسیه در تاریخ با تغییر الگوهای عدم تقارن از نظر توازن قوا مشخص می‌شود. در واقع، روابط چین و شوروی به‌عنوان آمیزه‌ای از اتحاد قدرت‌های بزرگ سنتی و یک قدرت نوظهور است. درجه کنترل اتحاد جماهیر شوروی بر حزب کمونیست چین هرگز به سطح معمول برای اروپای شرقی نرسید، اما مقیاس کمک‌های فناورانه و مفاد یک معاهده اتحاد در سال ۱۹۵۰، وجود یک عدم تقارن آشکار بین این دو را نشان داد. تلاش‌های چین برای رهایی از نفوذ شوروی همزمان با افزایش رقابت فناورانه برای برتری در اردوگاه کمونیستی بود. پویایی سیاسی داخلی در هر دو کشور به تنش‌ها دامن زد که منجر به فروپاشی روابط چین و شوروی در اوایل دهه ۱۹۶۰ شد. با نگاهی به علل ظهور و سقوط اتحاد چین و شوروی، محققان به نقش پویایی‌های سیاسی قدرت، تنش‌های ایدئولوژیک و سیاست داخلی به‌ویژه در چین اشاره کرده‌اند. بیش از دو دهه طول کشید تا هر دو دولت روند نزدیک شدن را در اواخر دهه ۱۹۸۰ آغاز کنند (Bobo, 2008, p. 16).

باین‌وجود، بحران اقتصادی جهانی ۲۰۰۸-۲۰۰۹ تبدیل به نقطه عطفی در روابط چین و روسیه شد. روسیه سیاست‌های خود را معکوس کرد و خیزش چین به‌عنوان قدرت بزرگ نوظهور را پذیرفت. روسیه خط لوله نفتی به چین ساخت و شرکت‌های انرژی دولتی روسیه قراردادهای بلندمدتی برای عرضه نفت منعقد کردند و از بانک‌های

چینی وام‌های زیادی گرفتند. هر دو طرف همکاری امنیتی خود را با احیای تجارت تسلیحات و تمرینات مشترک منظم تشدید کردند. روسیه همچنین شروع به انطباق با نفوذ اقتصادی رو به رشد چین در آسیای مرکزی کرد (Wilson, 2021, p. 55). همچنین، الحاق کریمه به روسیه در سال ۲۰۱۴ و درگیری متعاقب آن با غرب تنها همکاری دوجانبه و روند رضایت مسکو با ظهور چین را تسریع بخشید. حمایت سیاسی پکن، روسیه را در سیاست آن جسورتر کرد. درحالی‌که انرژی، همکاری اقتصادی چین و روسیه را بیشتر کرد (Skalamera, 2018, p. 70). تعداد و دامنه رزمایش‌های مشترک، همراه با معاملات تسلیحاتی بزرگ افزایش یافت.

هر دو کشور موفق شدند از رقابت بر سر موضوع‌هایی مانند طرح‌های جایگزین برای اوراسیا، یعنی اتحادیه اقتصادی اوراسیا تحت حمایت روسیه و طرح یک کمربند - یکراه چین یا بر سر جاه‌طلبی‌های خود در قطب شمال اجتناب کنند. ظهور رقابت آشکار چین و آمریکا در سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۲۰، درجاتی از تقارن را به روابط روسیه و چین بازگرداند؛ زیرا ارزش حمایت سیاسی روسیه از پکن را افزایش داد (Kaczmarek, 2020, p. 199). اگرچه درگیری چین و ایالات متحده، مسکو و پکن را نزدیک‌تر کرد، اما اساساً روابط را تغییر نداده است.

همچنین جنگ اوکراین، بحران سیاسی و تحریم‌های ایالات متحده و غرب علیه مسکو سبب شده روسیه با تغییر اولویت‌های سیاسی و اقتصادی خود به آسیا توجه ویژه‌ای داشته باشد. انزوای فزاینده از غرب همکاری راهبردی چین و روسیه را به یک واقعیت رو به رشد تبدیل کرده است و مسکو پکن را به‌عنوان نیروی متوازن‌کننده بالقوه‌ای در برابر غرب می‌داند. مشارکت با چین خطرهای طولانی‌مدت از جمله وابستگی به یک شریک بزرگ‌تر را به همراه خواهد داشت، اما این تنها مسیر مناسب برای کاهش آسیب‌پذیری‌های غربی روسیه بود. همچنین علاقه مشترک آنها به ثبات منطقه‌ای و جلوگیری از نفوذ ایالات متحده در خارج از منطقه باعث شده است که دو کشور نگرشی عمدتاً مشترک نسبت به یکدیگر داشته باشند. با این وجود، نشانه‌های از ناراضی‌های رسمی بین روسیه و چین در رابطه با تعامل‌های آنها در آسیای مرکزی وجود دارد، اما زمان به نفع روسیه نیست. اولاً، همان‌طور که قبلاً ذکر شد، عدم تقارن در توانمندی‌های قدرت بین روسیه و چین به‌طور پیوسته در حال افزایش است. ثانیاً، سیاست خارجی چین تحت رهبری شی جین پینگ برای نفوذ بسیار قاطعانه‌تر شده است. ثالثاً، خروج ایالات متحده از آسیای مرکزی، همان‌طور که با بسته شدن پایگاه ماناس در قرقیزستان در سال ۲۰۱۴ بی‌تفاوتی دولت ترامپ

به منطقه نشان داد و انگیزه قدرتمندی را برای روسیه و چین برای حل اختلاف‌های احتمالی و همکاری از بین برده است (Wilson, 2021, p. 58).
 یک چشم‌انداز جایگزین این است که روسیه ممکن است یک راهبرد «سیاست همراه‌سازی»^۱ را اتخاذ کند و وضعیت زبردست را به‌عنوان شریک کوچک چین بپذیرد. این نیز یک گزینه بسیار ناخوشایند برای روسیه است که نه‌تنها فرضیه روسیه و چین را به‌عنوان کشورهای مساوی به چالش می‌کشد، بلکه ادعای روسیه برای موقعیت قدرت بزرگ در آسیای مرکزی را نیز از بین می‌برد؛ که به‌عنوان سنگ‌بنای هویت ملی روسیه عمل می‌کند. چون که حداقل در اسناد رسمی شواهد کمی وجود دارد که روسیه و چین برای تعیین یک سیاست منطقه‌ای مشترک در آسیای مرکزی با یکدیگر همکاری کرده‌اند. از این‌رو، پژوهش حاضر روایت غالب سیاست خارجی بین روسیه و چین در آسیای مرکزی را به چالش می‌کشد که در آن چین بر پیگیری‌های اقتصادی تمرکز می‌کند در حالی که روسیه به‌عنوان ضامن امنیت منطقه عمل می‌کند.

۳. روسیه - چین در آسیای مرکزی در محور امنیتی و نظامی

روسیه بی‌تردید تأمین‌کننده اصلی امنیت در کشورهای آسیای مرکزی است، اما چین در چند سال اخیر فعالیت‌های نظامی و امنیتی خود را به‌طور قابل‌توجهی افزایش داده است تا جایی که نشانه‌هایی از رقابت بین آنها مشاهده می‌شود. روسیه و چین تعهدهای نظامی و امنیتی خود را در منطقه (بر اساس منابع ملی) هماهنگ نمی‌کنند؛ مگر از طریق چهارچوب تمرین‌های نظامی مشترک که توسط سازمان همکاری شانگهای انجام می‌شود که سایر کشورهای عضو نیز در آن مشارکت دارند. با این حال، چین و روسیه هر دو سلاح می‌فروشند، تمرینات نظامی انجام می‌دهند و افسران نظامی را با کشورهای منطقه به‌صورت دوجانبه آموزش می‌دهند. علاوه‌براین، روسیه دو پایگاه در منطقه دارد، یکی با بیش از ۷۰۰۰ سرباز در خارج از دوشنبه در تاجیکستان و یک پایگاه هوایی نظامی با بیش از ۵۰۰ سرباز در کانت در قرقیزستان. چین به‌نوبه خود پایگاهی را در منطقه خودمختار گورنو بدخشان تاجیکستان ایجاد کرده است، اگرچه این پایگاه به‌طور رسمی یک ایستگاه مرزبانی است (Shih, 2019). محاسبه حجم انتقال تسلیحات روسیه و چین به آسیای مرکزی دشوار است؛ زیرا

روسیه و چین تسلیحات را به‌صورت به حداقل هزینه به کشورهای آسیای میانه ارائه می‌کنند (در مورد چین با ترکمنستان و ازبکستان به‌عنوان مبادله برای انرژی). در پژوهشی، ژاردین و لیمون فعالیت نظامی چین و روسیه را در منطقه تخمین می‌زنند که روسیه بیش از ۸۰ درصد تسلیحات وارداتی را بین سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۹ به قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان عرضه کرده است و حجم فروش تسلیحات در طول زمان افزایش یافته است. سه چهارم صادرات تسلیحات روسیه به این منطقه از سال ۲۰۱۰ فروخته شده است. انتقال تسلیحات چینی نیز هر چند از سطح بسیار پایینی در حال افزایش است. چین ۱,۵ درصد از واردات تسلیحات آسیای مرکزی را بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ تأمین کرده است، این رقم در دوره زمانی ۲۰۱۵-۲۰۱۸ به ۱۸ درصد از کل واردات سلاح افزایش یافته است. درحالی‌که ازبکستان در کل دوره ۱۹۹۱-۲۰۱۸ از چین بیشتر از روسیه تسلیحات خریداری کرده است، بین سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۸ ترکمنستان بیشتر تسلیحات از چین خریداری کرده‌اند (Jardin & Lemon, 2020). درواقع، چین به‌طور فزاینده‌ای نسبت به روسیه تسلیحات پیشرفته‌تر از نظر فناوری از جمله پهپادهای مسلح، فناوری ارتباطات و وسایل نقلیه هوایی بدون سرنشین به آسیای مرکزی می‌فروشد.

ژاردین و لیمون در گزارشی دیگری که ارائه می‌دهند که روسیه و چین از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹، ۱۰ رزمایش نظامی دوجانبه را در آسیای مرکزی برگزار کردند، اما روسیه نیز ۲۶ رزمایش را از طریق سازمان پیمان امنیت جمعی انجام داد. به‌طورمشابه، برنامه‌های آموزش افسران چین به اندازه روسیه گسترده نیست، اما در حال گسترش است. ارتش‌های آسیای مرکزی به‌دلیل میراث شوروی خود به حفظ ارتباط با روسیه ادامه می‌دهند و روسیه به‌عنوان یک بازیگر خارجی در حوزه آموزش افسران تسلط دارد. داده‌های جامعی در دسترس نیست، اما تخمین زده می‌شود که بیش از نیمی از افسران قزاقستان در روسیه آموزش دیده‌اند (Jardin & Lemon, 2020)، اما نیز ابتکارات چین برای آموزش افسران نظامی و امنیتی مرتبط بسیار کمتر از روسیه است، اما در حال گسترش است. چین برنامه‌های آموزشی کوتاه‌مدت و بلندمدت را در مکان‌های مختلف آغاز کرده است. این شامل دانشگاه دفاع ملی PLA است که افسران نظامی را آموزش می‌دهد و مؤسسه ملی چین برای تبادل بین‌المللی سازمان همکاری شانگهای و همکاری قضایی در دانشگاه سیاست و حقوق شانگهای که دوره‌های آموزشی مختلفی را برای نیروهای گارد مرزی اعضای سازمان همکاری شانگهای و نیروهای وزارت کشور ارائه می‌دهد. در ژوئن ۲۰۲۰، مرکز

سازمان همکاری شانگهای اعلام کرد که قصد دارد تا ژوئن ۲۰۲۱ به ۲۰۰۰ افسر از همه کشورهای سازمان همکاری شانگهای آموزش دهد (Jardin & Lemon, 2020). از آنجایی که چین فعالیت‌های اقتصادی خود را در آسیای مرکزی گسترش داده است، فشار بیشتری بر نخبگان منطقه‌ای وارد کرده است تا از شرکت‌های چینی که به‌ویژه در برابر تظاهرات بیگانه‌هراسی علیه حضور چین آسیب‌پذیر هستند، حمایت کافی کنند. از این رو، چین به دنبال تشدید حضور شرکت‌های امنیتی خصوصی^۱ در آسیای مرکزی بوده است. این به هیچ‌وجه معیاری متمایز از آسیای مرکزی نیست، بلکه با حرکتی مشابه است که چین در سطح جهانی با گسترش یک کمربند - یکراه انجام داده است. با این حال، حضور شرکت‌های امنیتی خصوصی چینی یک موضوع حساس برای رهبران آسیای مرکزی است و پیامدهای آن در مورد مسائل مربوط به حاکمیت و پایبندی به مقررات محلی است (Van Der Kley, 2020, p. 241). از سوی دیگر نگرانی چین در درجه اول بر حفظ امنیت و مقابله با فعالیت‌های تروریستی در منطقه و به‌ویژه جلوگیری از حرکت شبه‌نظامیان از افغانستان به استان سین کیانگ متمرکز شده است. چین علاوه بر پایگاه نظامی ادعایی، یازده ایستگاه مرزی را برای تاجیک‌ها ساخته است (Umarov & Sukhankin, 2020, p. 14). به نظر می‌رسد انگیزه چین برای ایجاد این ساختار تا حدودی ناشی از ناامیدی از تلاش‌های طولانی مدت این کشور برای تحریک سازمان همکاری شانگهای و ساختار منطقه‌ای ضد تروریسم^۲ برای اجرای سیاست‌های مؤثر برای مقابله با تهدید تروریستی بوده است (Pantucci, 2019, p. 59). از این رو، می‌توان گفت خروج برنامه‌ریزی شده آمریکا از افغانستان، حفظ ثبات در آسیای مرکزی را بیشتر تهدید می‌کند. به‌طور قطع، تشدید دخالت چین در سرکوب اقدام‌های تروریستی در آسیای مرکزی به‌طور بالقوه برای همه کشورهای منطقه از جمله روسیه مفید خواهد بود، اما نشانه‌هایی از تنش‌های اضطراری بین این دو وجود دارد؛ به عبارت دیگر، حساسیت روسیه نسبت به ارتقای سطح نظامی و امنیتی چین در آسیای مرکزی است.

چین در حال گسترش به حوزه مشخص شده روسیه به‌عنوان تأمین‌کننده امنیت در آسیای مرکزی است که به‌عنوان پشتوانه اساسی ادعای آن برای مشارکت برابر با روسیه در منطقه عمل می‌کند. با این حال روسیه بر سازگاری منافع روسیه و چین تأکید می‌کند، گفتمان نخبگان روسیه (و همچنین آسیای مرکزی) وجود

۱. PSCs (private security companies)

۲. RATS

نگرانی‌هایی را در مورد جهت‌گیری آینده روابط بین دو کشور در حوزه نظامی و امنیتی تأیید می‌کنند.

همان‌طور که ایگور ساوین در مورد روسیه و امنیت کشورهای آسیای مرکزی اشاره کرد: «در سال ۲۰۱۳ هیچ‌کس در مورد همکاری نظامی - فنی با چین آدر آسیای مرکزی] صحبت نکرد. شش سال گذشته است و اکنون عملاً همه کارشناسان در مورد این موضوع صحبت می‌کنند». همچنین وی پیشنهاد کرد که روسیه با تهدید چین برای ساخت پایگاه‌های نظامی در آسیای مرکزی در طی پنج‌سال مواجه شده است (Savin, 2020). این گمانه‌زنی با گزارش‌هایی از افزایش نگرانی‌ها در محافل نظامی و این احساس کلی که چین در حال به چالش کشیدن روسیه در حوزه امنیتی است، همراه شده است.

تحلیل‌گران خاطرنشان کرده‌اند که روسیه تمرینات امنیتی و آموزش‌های خود را در تاجیکستان افزایش داده و عملیات خود را در پایگاه هوایی کانت در قرقیزستان، احتمالاً به‌عنوان سیگنالی به چین، افزایش داده است. هم‌زمان، افزایش حضور نظامی چین منجر به برخی تلاش‌ها برای تغییر روایت شده است تا فرض شود روسیه و چین اکنون به‌طور هماهنگ تقسیم‌کار را در عملیات‌های امنیتی در منطقه به اشتراک می‌گذارند و فعالیت‌های چین در واقع به‌طور بالقوه برای روسیه مفید است؛ زیرا این کشور چین است نه روسیه که امنیت را در تاجیکستان به دوش می‌کشد (Lo, 2020). مزایای صرفه‌جویی در هزینه برای روسیه بدون شک درست است، اما این مسئله نشان می‌دهد که روسیه فاقد توانایی برای گسترش عملیات نظامی خود در منطقه است و از طرف دیگر در آینده شاهد پیشی گرفتن قدرت نظامی چین نسبت به روسیه در منطقه آسیای مرکزی خواهیم بود.

۴. راهبرد اقتصادی چین در رقابت هژمونیک با روسیه در آسیای مرکزی

حضور فعال چین و روسیه به‌عنوان دو قدرت برتر که اهداف مشابه، موازی و متقابل را در منطقه آسیای مرکزی دنبال می‌کنند، سبب شده سایر بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای به راهبردهای کنونی و گمانه‌زنی درباره آینده روابط این کشور توجه نمایند. بسیاری از ناظران بر این باور هستند به‌رغم شواهدی که مبنی بر همکاری تقویت شده چین و روسیه در منطقه آسیای مرکزی در سال‌های اخیر وجود دارد، سطح فعلی تعامل میان چین و روسیه نمی‌تواند نمای مناسبی برای پنهان کردن سوءظن و بی‌اعتمادی عمیق بین دو کشور باشد. از این‌رو، بررسی ابعاد پیوندهای ساختاری چین و روسیه با

کشورهای آسیای مرکزی به‌عنوان دو بازیگر موثر و تعیین‌کننده آینده سیاسی، اقتصادی و امنیتی منطقه آسیای مرکزی حائز اهمیت است.

جدول (۱): پیوندهای ساختاری متعدد بین روسیه و کشورهای آسیای مرکزی

کشورهای مستقل مشترک‌المنافع ^۱	سازمان پیمان امنیت جمعی ^۲	اتحادیه اقتصادی اوراسیا ^۳	سازمان همکاری شانگهای ^۴	۱+۰
روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ازبکستان	روسیه قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان (ازبکستان)	روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، بلاروس، ارمنستان، (عضو ناظر) ازبکستان، مولداوی	روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان، چین هند، پاکستان	روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، ترکمنستان

جدول شماره ۱ روسیه را به کشورهای منطقه و عضویت آنها متصل می‌کند. اینها عبارت‌اند از: کشورهای مشترک‌المنافع مستقل، یک نهاد عمدتاً نمادین که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تأسیس شد. سازمان پیمان امنیت جمعی که به‌عنوان یک اتحاد نظامی عمل می‌کند. اتحادیه اقتصادی اوراسیا که آگاهانه از اتحادیه اروپا به‌عنوان ساختار یکپارچگی اقتصادی الگوبرداری شده است و سازمان همکاری شانگهای، نتیجه مذاکره‌های مرزی بین چین و اتحاد جماهیر شوروی که در جهت حفظ امنیت منطقه‌ای و مقابله با تروریسم است. درواقع، هر یک از این سازمان‌ها شامل همه کشورهای آسیای مرکزی به‌عنوان عضو نیستند؛ ترکمنستان با سیاست بی‌طرفی اعلام شده و عضو هیچ‌یک از آنها نیست، اما تنها سازوکار منطقه‌ای که همه کشورهای آسیای مرکزی را به‌عنوان عضو به حساب می‌آورد توسط روسیه تأسیس شده است (Otorbaev, 2021).

جدول (۲): ساختارهای سازمانی عمده و عضویت آنها در آسیای مرکزی: چین

گروه ۰+۱	یک‌کمربند-یک‌راه	سازمان شانگهای
چین، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان	چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان	چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان، هند، پاکستان

ازسوی دیگر، پیوند ساختاری اصلی چین با منطقه از طریق سازمان همکاری شانگهای است. به‌بیان دقیق، یک‌کمربند - یک‌راه یک سازمان نهادی نیست، بلکه

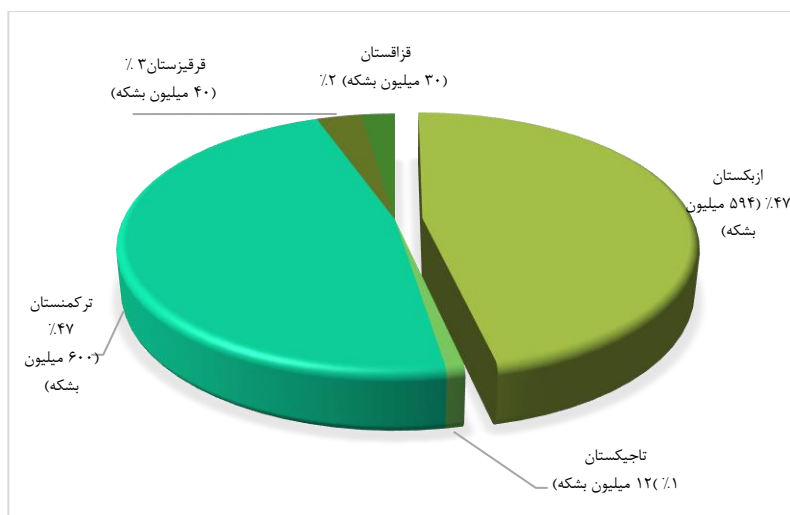
مجموعه‌ای از ابتکارات اقتصادی است که توسط دولت چین تنظیم شده است. با این حال، همه کشورهای آسیای مرکزی حمایت خود را از طرح یک کمربند - یکراه اعلام کرده‌اند و با یادداشت تفاهمی به‌عنوان اعضای طرح وضعیت رسمی خود را نشان دادند. همچنین، بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی^۱ تحت مدیریت چین طرح یک کمربند - یکراه را تأمین مالی می‌کند. علاوه‌براین، چین در اکتبر ۲۰۲۰ اولین نشست خود را با وزرای خارجه کشورهای آسیای مرکزی در قالب ۱+۵ برگزار کرد. در واقع، چین، به‌نوبه خود بیشتر بر گسترش یک کمربند - یکراه بر مبنای روابط دوجانبه دولت‌ها متمرکز شده است؛ فعالیتی که به‌طور مستقیم با هژمونی روسیه در منطقه در تعارض نیست.

در واقع، هر دو طرف برای حفظ قدرت سیاسی و اقتصادی و نفوذ در آسیای مرکزی با طرح‌های ادغام منطقه‌ای متناظر خود رقابت می‌کنند. دو طرح از انگیزه‌های بسیار متفاوت سرچشمه می‌گیرند. اتحادیه اقتصادی اوراسیایی مهم‌ترین تلاش روسیه برای گردآوری کشورهای شوروی سابق در اطراف خود از طریق اهرم اقتصادی است. یک کمربند - یکراه ضمن رفع موانع سرمایه‌گذاری و تجارت به دنبال پیوند زمینی با اروپاست. نقاط موازی بین کمربند اقتصادی جاده ابریشم و اتحادیه اوراسیا به تدریج از چند جهت موقعیت فعلی روسیه را به چالش می‌کشد. روسیه از طریق نهادهای فراملی مانند جامعه اقتصادی اوراسیا، فضای اقتصادی واحد و پیمان اتحادیه اقتصادی اوراسیا تلاش می‌کند تا بازار واحدی را برای کالاها و خدمات در بین اعضا پیاده‌سازی کند. از سوی دیگر روسیه در تلاش است تا به کشور ترانزیت اصلی منابع انرژی از آسیای مرکزی تبدیل شود و صنعت گاز طبیعی منطقه را تحت سلطه خود درآورد. چین قصد دارد از منابع عظیم آسیای مرکزی استفاده کند و بدین ترتیب انحصار انرژی روسیه در منطقه را به چالش بکشد؛ در واقع چین محتمل‌ترین رقیب روسیه برای دستیابی به قدرت هژمونیک در این منطقه است. جای شگفتی نیست که بسیاری از نخبگان روس نگرانند کمربند جاده ابریشم بتواند معماری تجاری روسیه را برای منطقه تضعیف ساخته، راه‌آهن ترانس سیریری را برای رسیدن به اروپا دور زده و بر دسترسی به مواد اولیه و قراردادهای زیرساختی در آسیای مرکزی چیره گردد (رئیس‌نژاد و بوشهری، ۱۴۰۱، ص. ۱۴۰). از این‌رو، ورود چین به عصر ساخت ابتکارهای مربوط به اتصال، بخشی مهمی از پویایی‌های نوین

۱. AIIB

منطقه‌ای این دو قدرت را به نمایش می‌گذارد. تاکنون همه دولت‌های آسیای مرکزی به این طرح پیوستند و چین اهداف متعددی را در سطح بین‌الملل از قبیل این ابتکار دنبال می‌کند.

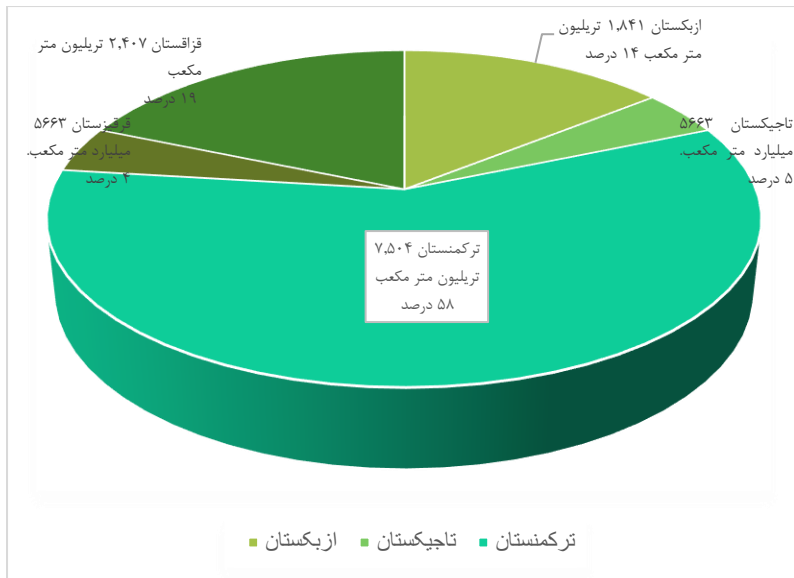
از نگاه ظرفیت‌های انرژی منطقه آسیای مرکزی به لحاظ منابع انرژی، از جمله نفت و گاز، غنی است. برآوردها حاکی از این است که این منطقه دارای حدود ۶۰ میلیارد بشکه ذخایر نفت است (CIA World Fact Book, 2022). تلاش چین برای متنوع‌سازی مسیرهای واردات انرژی و به‌ویژه کاهش وابستگی به مسیرهای دریایی تحت کنترل ایالات متحده آمریکا، توجه بیجینگ^۱ را به منابع این منطقه جلب کرده است. همان‌گونه که نمودار (۳) نشان می‌دهد ظرفیت‌های منطقه در بخش انرژی بازار مصرفی آسیای مرکزی نیازمندی منطقه به جذب سرمایه خارجی و نقش تسهیل‌گر و اعتمادساز سازمان شانگهای از جمله مهم‌ترین فرصت‌های فراروی سیاست اقتصادی چین در آسیای مرکزی است.



Source: (CIA World Fact Book, 2022)

نمودار (۳.الف): میزان ذخایر نفت در آسیای مرکزی

۱. Beijing



Source: (CIA World Fact Book, 2022)

نمودار (۳.ب): میزان ذخایر گاز در آسیای مرکزی

همچنین، کشورهای منطقه نیز به دلیل وابستگی به روسیه و تلاش برای شکستن انحصار آن در مسیرهای انتقال انرژی از مشارکت چین در بخش انرژی استقبال کرده‌اند. برجسته‌ترین فعالیت‌های چین در بخش انرژی منطقه عبارت‌اند از: خط لوله نفت قزاقستان چین با ظرفیت صادرات سالانه بیست میلیون تن نفت به چین؛ خط لوله گاز آسیای مرکزی چین که گاز قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان را با ظرفیت سالانه ۸۰ میلیون متر مکعب به چین انتقال می‌دهد؛ کسب مجوز اکتشاف در میدان نفت بوزاچی شمالی در قزاقستان قرارداد گازی بختیار لیک در ساحل رود آمودریا و میدان جنوبی پلتن در ترکمنستان و اکتشاف در میدان مینگ بولا که در ازبکستان افزون‌براین، شرکت‌های چینی توانسته‌اند ۵۰ درصد از سهام بزرگ‌ترین شرکت‌های نفت و گاز منطقه در قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان را تصاحب کنند (ارغوانی پیر سلامی و علی‌پور، ۱۴۰۱، ص. ۳۶).

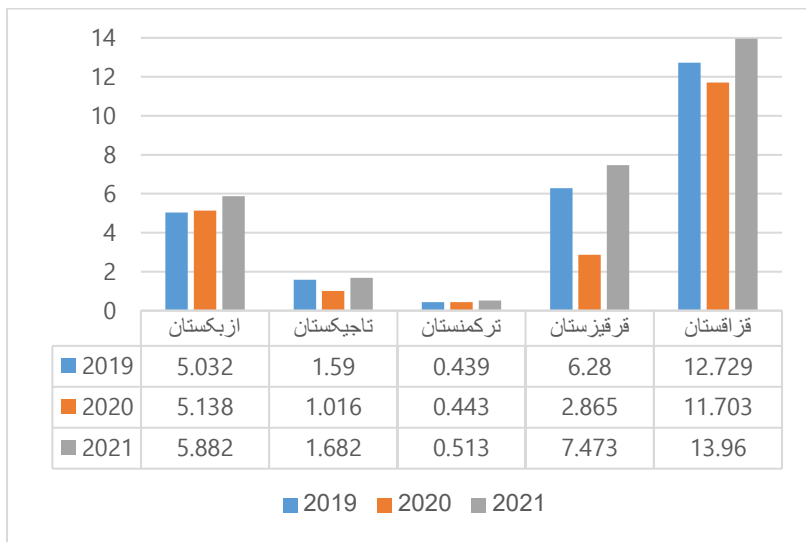
بازار مصرفی منطقه تجارت دوجانبه میان چین و جمهوری‌های آسیای مرکزی به سرعت رشد کرده و چین توانسته است با پشت‌سر گذاشتن روسیه به مهم‌ترین کنشگر اقتصادی منطقه تبدیل شود. چین، اکنون بزرگ‌ترین شریک تجاری بسیاری از کشورهای منطقه به‌شمار می‌آید و نفوذ اقتصادی آن در منطقه، با قدرت‌های فرماندهی قابل مقایسه نیست (Trade Map, 2021).

جدول (۳): جایگاه چین در میان شرکای تجاری جمهوری‌های آسیای مرکزی

کشور	رتبه چین در میان شرکای صادراتی	رتبه چین در میان شرکای وارداتی
ازبکستان	۱	۲
تاجیکستان	۶	۳
ترکمنستان	۱	۴
قرقیزستان	۶	۲
قزاقستان	۱	۲

Source: (CIA World Fact Book, 2022)

عمده‌ترین محصولات صادرات چین به منطقه عبارت‌اند از: تجهیزات الکترونیک ماشین کشاورزی و صنعتی و لوازم پزشکی ارزش کل صادرات چین به منطقه در سال ۲۰۲۱، تقریباً ۲۹ میلیارد دلار برآورد شده است. صادرات کشورهای منطقه به چین نیز شامل نفت، گاز، طلا، مس و محصولات کشاورزی است که ارزش آنها در سال ۲۰۲۱ تقریباً ۱۲ میلیارد دلار گزارش شده است. همان‌گونه که داده‌های نمودار (۴) نشان می‌دهد، بیشترین حجم صادرات چین به قزاقستان و کمترین آن به ترکمنستان است.

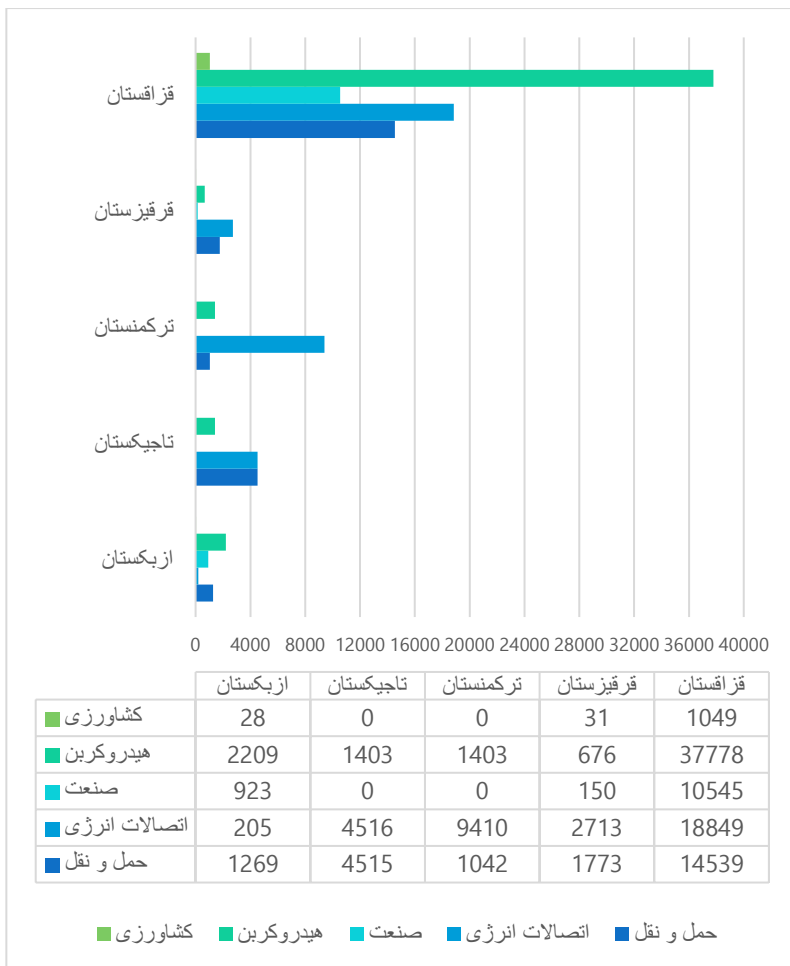


Source: (Trade Map, 2021)

نمودار (۴): ارزش صادرات چین به جمهوری‌های آسیای مرکزی (میلیارد دلار)

۲۰۱۹-۲۰۲۱

نکته دیگری که باید درباره اهمیت منطقه به آن اشاره کرد این است که آسیای مرکزی، حلقه پیوند میان چین و اروپاست. اکنون تجارت کالا میان چین و اروپا بین ۲۰ تا ۴۰ روز طول می‌کشد. چین درصدد است تا با بهبود زیرساخت‌های حمل‌ونقل در آسیای مرکزی این زمان را به ۱۱ روز کاهش دهد و تجارت با اروپا را تسهیل کند. درواقع، محاسبه تعداد طرح‌های یک‌کمربند - یکراه در آسیای مرکزی دشوار است؛ زیرا چین تمایل دارند هرگونه تعامل دوجانبه را به‌عنوان نشانه‌ای از فعالیت‌های مرتبط با یک‌کمربند - یکراه برچسب‌گذاری کنند. بااین‌حال، همه کشورهای آسیای مرکزی به جز ترکمنستان، در طرح‌هایی که توسط بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی مطرح می‌شوند، مشارکت دارند و ازبکستان بیشترین بودجه را دریافت می‌کند (AIIB, 2021). علاوه‌براین، آسیای مرکزی به‌طور فزاینده‌ای به مقصد سرمایه‌های بانک‌های چین تبدیل شده است.

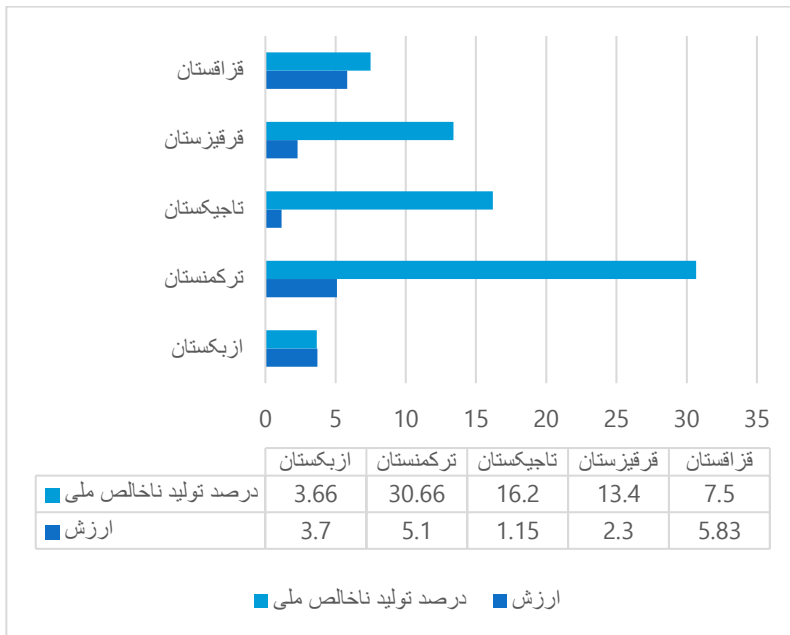


Source: (Trade Map, 2021)

نمودار (۵): میزان سرمایه‌گذاری چین در آسیای مرکزی در طرح یک کمربند - یکراه

طبق نمودار (۵) قزاقستان بیشترین سرمایه و قرقیزستان کمترین سرمایه از چین را جذب کرده‌اند. براین اساس، داده‌ها نشان می‌دهد که چین برای هر دولت در منطقه به سرمایه‌گذار بزرگ‌تری از روسیه تبدیل شده است که منجر به اختلافی شده است؛ برای مثال در قزاقستان (۲۹,۱۷ میلیارد دلار در مقایسه با ۶,۴۸۳ میلیارد دلار) حجم سرمایه‌گذاری شده چین و روسیه قابل توجه است.

علاوه بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، پکن به‌شدت به انواع وام‌های امتیازی به کشورهای منطقه، اغلب در ارتباط با یک‌کمربند - یک‌راه، متکی است. همه کشورهای آسیای مرکزی به چین بدهکار هستند، اما وضعیت در قرقیزستان و تاجیکستان بسیار بحرانی است: ۴۵ درصد وام خارجی بیشکک و ۵۲ درصد از بدهی خارجی دوشنبه از چین است (Umarov, 2021).



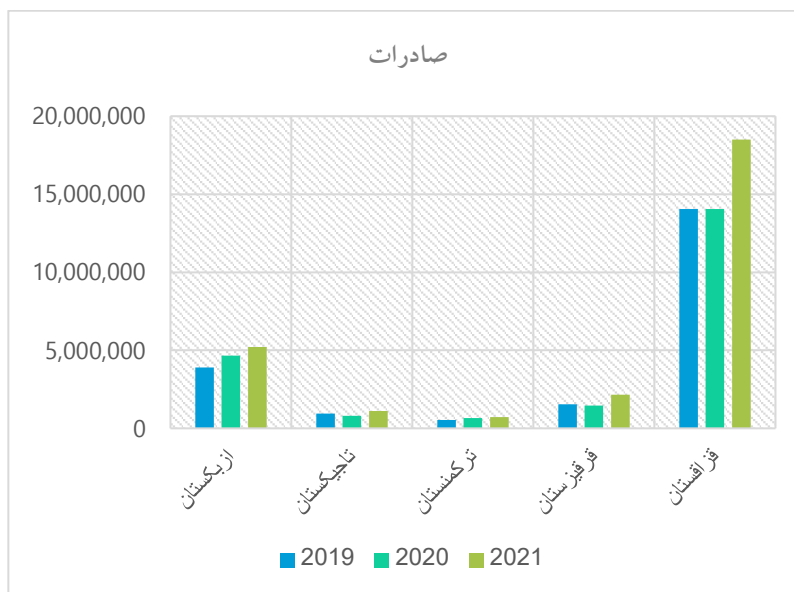
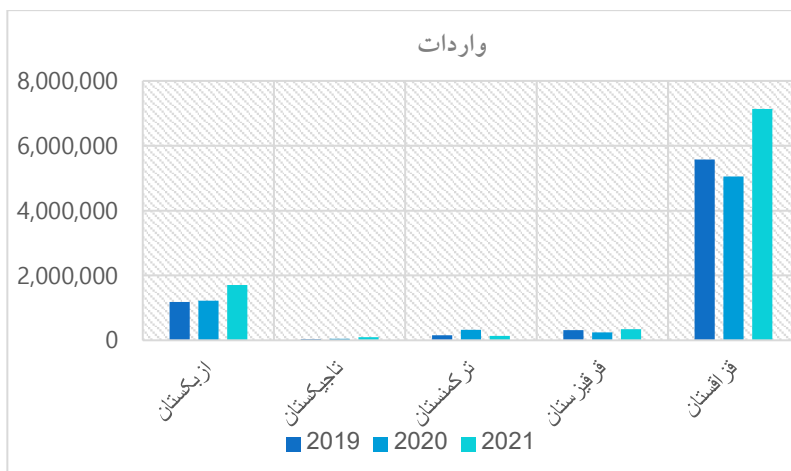
Source: (Horn; Reinhard & Tresbech, 2020)

نمودار (۶): بدهی هر کشور آسیای مرکزی به چین در سال ۲۰۲۰ (میلیارد دلار آمریکا)

نمودار (۶) نشان‌دهنده میزان بدهی پنج کشور آسیای مرکزی به چین، به‌صورت عددی و درصدی از تولید ناخالص داخلی است. قرقیزستان با ۳۰٫۵ درصد نه‌تنها بالاترین درصد بدهی به تولید ناخالص داخلی را در بین پنج کشور دارد، بلکه در مقایسه جهانی نیز در جایگاه پنجم قرار است.

اطلاعات جامعی برای نشان دادن میزان بدهی کشورهای آسیای مرکزی به روسیه در دسترس نیست. قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان بازپرداخت‌های مالی را از طریق صندوق تثبیت اوراسیا که بخشی از اتحادیه اقتصادی اوراسیا است،

دریافت می‌کنند. روسیه همچنین اغلب بدهی‌هایی را که گاهی به اختلاف‌ها آغاز شده در دوران شوروی و پیامد آن به‌عنوان ابزاری برای افزایش نفوذ خود در منطقه بازمی‌گردد، حذف کرده است (World Bank, 2021, p. 14).



Source: (Trade Map, 2021)

نمودار (۷): واردات و صادرات فدراسیون روسیه به آسیای مرکزی

آنچه مسلم است طبق نمودار (۷) کل گردش تجاری روسیه تنها در قزاقستان، صادرات از چین بیشتر است شد، درحالی‌که واردات روسیه از قرقیزستان و تاجیکستان بیشتر از واردات چین بود.

ازسوی‌دیگر، با اعلام جاده ابریشم دیجیتال در سال ۲۰۱۴، ابتکارات اخیر چین برای تلاش‌های دیجیتالی‌سازی در آسیای مرکزی افزایش یافته است. هوآوی، بزرگ‌ترین شرکت مخابراتی چین، به قزاقستان، ازبکستان و تاجیکستان در معرفی فناوری 5G کمک می‌کند و در نصب فناوری نظارتی «شهرهای امن» در سراسر منطقه کمک کرده است. هم هوآوی و هم شرکت فناوری چینی ZTE از بکستان کارخانه دارند (Hashimova, 2021). در واقع، چین گام‌های بزرگی در گسترش حضور دیجیتال خود در آسیای مرکزی برداشته است، در زمانی که تلاش‌هایش برای گسترش خدمات خود در غرب کاهش یافته است. در این زمینه، طرح‌های چین در آسیای مرکزی فراتر از این است که این منطقه را صرفاً به‌عنوان تأمین‌کننده مواد خام در نظر بگیرند، اما پیوند دادن منطقه به چین نه‌تنها از طریق زیرساخت‌های مادی، بلکه از طریق اتصال شبکه دیجیتال نیز می‌شود. این یک سرمایه‌گذاری بلندپروازانه است که بسیار فراتر از توانایی‌های مالی روسیه است.

۵. قدرت نرم، ابزار روسیه و چین در آسیای مرکزی

سی سال پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، نفوذ روسیه در آسیای مرکزی بسیار کاهش یافته است، اما روسیه همچنان نقطه مرجع غالب جهت‌گیری خارجی در منطقه است. قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان پیوندهای نزدیک‌تری با روسیه نسبت به ترکمنستان و ازبکستان دارند. در واقع، استفاده مداوم از زبان روسی، رواج رسانه‌ها و منابع خبری روسی، روابط نخبگان در منطقه با هم‌تایان روسی خود و تعداد دانشجویانی که از آسیای مرکزی برای تحصیل در روسیه انتخاب می‌شوند سبب تقویت تولید ناخالص داخلی روسیه شده است (Hess, 2020, p. 421). درمقایسه با روسیه، پیوندهای تاریخی، فرهنگی و اجتماعی که چین را به آسیای مرکزی متصل می‌کند بسیار محدودتر است. با این حال، هر دو کشور برنامه‌ای از فعالیت‌های دولتی را تدوین کرده‌اند که به دنبال ارتقای نفوذ در منطقه است. جایگاه روسیه در منطقه کمتر یک سیاست عمدی است تا نتیجه میراث شوروی؛ اما کرملین تعهد خود را به حفظ زبان روسی و حضور ارزش‌های فرهنگی روسیه در آسیای مرکزی پس از شوروی نشان داده است.

راهبرد امنیت ملی (۲۰۱۵) به‌طور خاص «کاهش نقش زبان روسی در جهان» را به‌عنوان یک تهدید امنیت ملی شناسایی می‌کند، درحالی‌که مفهوم سیاست خارجی (مفهوم ۲۰۱۶) بر نیاز به تقویت «نقش روسیه در فرهنگ بین‌المللی و همچنین ترویج زبان روسی و مؤسسه‌های آموزشی روسی در خارج از کشور تأکید می‌کند. زبان روسی، درواقع، به‌عنوان یک زبان آموزشی در سراسر آسیای مرکزی (البته به میزان متفاوت) در مدارس متوسطه و در مؤسسه‌های آموزش عالی تدریس می‌شود (Leskina & Sabzalieva, 2021). جدول زیر تعداد شعبه‌های مؤسسه‌های آموزش عالی روسیه را در خارج از کشور، از جمله در آسیای مرکزی، نشان داده است.

جدول (۴): تعداد شعبه‌های مؤسسه‌های آموزشی چین و روسیه در آسیای مرکزی

کشورها	مراکز علمی و فرهنگی روسیه	هیئت Russkiy Mir	هیئت Russkiy Mir	مؤسسه کنفوسیوس چین
قزاقستان	۱	۰	۲	۵
قرقیزستان	۲	۲	۳	۴
تاجیکستان	۲	۰	۴	۲
ترکمنستان	۰	۰	۰	۰
ازبکستان	۱	۵	۰	۲
مجموع	۶	۷	۹	۱۳

Source: (http://www.hanban.org/confuciousinstitutes/node_10961.html)

جدول بالا به تعداد شعبه‌های مؤسسه‌های آموزش عالی روسیه در آسیای مرکزی اشاره می‌کند که نشان می‌دهد در مجموع مؤسسه‌های آموزش عالی روسیه ۲۱ شعبه در هر دولت آسیای مرکزی به جز ترکمنستان ایجاد کرده‌اند. درواقع، روسیه مراکز و مؤسسه‌های روسکی میر و همچنین مراکز علمی و فرهنگی را تأسیس کرده است که هر دو به‌دنبال ترویج زبان روسی و فرهنگ روسی هستند. این مؤسسه‌ها تقریباً با مؤسسه‌های کنفوسیوس و کلاس‌های درس کنفوسیوس مطابقت دارند که به سمت آموزش زبان چینی و جنبه‌های فعالیت‌های فرهنگی چینی می‌روند.

جدول (۵): تعداد دانشجویان آسیای مرکزی که در مؤسسه‌های آموزش عالی روسیه یا چین (تعداد بر پایه هزار است)

ثبت‌نام در مؤسسه‌های روسی		ثبت‌نام در مؤسسه‌های چینی		کشورها
۲۰۱۹	۲۰۰۰/۲۰۰۱	۲۰۱۹	۲۰۰۱	
۵۲٫۷	۱۶٫۷	۴۱۲۲۴	۱۰۵	قزاقستان
۵٫۵	۱٫۲	۴۱۵۴	۴۷	قرقیزستان
۱۴٫۳	۰٫۳	۳۲۸۲	۲۱	تاجیکستان
۲۰٫۴	۰٫۵	۲۶۰۱	نامشخص	ترکمنستان
۲۰٫۳	۳٫۲	۴۱۷۱	۴۶	ازبکستان

Source: (Kerimbaev & et al., 2020)

جدول بالا تعداد دانشجویان آسیای مرکزی را که در مؤسسه‌های آموزش عالی روسیه بین سال‌های تحصیلی ۲۰۰۱/۲۰۰۰ و ۲۰۲۰ ثبت‌نام کرده‌اند و تعداد دانشجویان آسیای مرکزی که در مؤسسه‌های آموزشی چین در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۲۰ تحصیل می‌کنند، مقایسه می‌کند. چندین نکته می‌توان از این داده‌ها اشاره کرد. اول، روسیه یک نقطه مقصد مهم برای دانشجویان آسیای مرکزی است؛ با تعداد دانشجویان ثبت نام شده به‌طور قابل‌توجهی در این دوره افزایش می‌یابد. در همان زمان، تعداد دانشجویانی که چین را به‌عنوان منبع آموزش عالی انتخاب می‌کنند، افزایش یافته است و از سطوح ناچیز به هزاران نفر رسیده است. با این وجود، روسیه حدود چهار برابر بیشتر از چین دانش‌آموزان را از آسیای مرکزی ثبت‌نام می‌کند و تنها قرقیزستان به‌طور نسبتاً مساوی بین روسیه و چین به‌عنوان مقصد تقسیم شده است. بدیهی است که روسیه از طریق تعداد بی‌شماری از پیوندهای به‌هم‌پیوسته، جایگاه قابل‌توجهی در منطقه آسیای مرکزی حفظ کرده است. روسیه دیگر یک قدرت اقتصادی در آسیای مرکزی نیست، اما به‌طور غیرمستقیم کنترل خود را بر منطقه حفظ می‌کند که در ارائه اشکال مختلف پرداخت یارانه از طریق سازمان پیمان امنیت جمعی^۱، اتحادیه اقتصادی اوراسیا^۲ و همچنین وابستگی قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان دیده می‌شود. در مورد حواله‌های کارگری روابط نزدیک بین نخبگان سیاسی روسیه و آسیای مرکزی و ارتش روسیه و آسیای مرکزی نیز نشان‌دهنده حفظ نفوذ روسیه در منطقه است.

۱. CSTO

۲. EAEU

با این وجود، میراث جاده ابریشم چین برخلاف روسیه، تازه وارد به آسیای مرکزی است. از این رو، سیاست قدرت نرم چین در آسیای مرکزی هدفمندتر از روسیه است. همچنین، به سادگی چین پول بیشتری برای خرج کردن نسبت به روسیه دارد. ساختارهای قدرت نرم روسیه با بودجه اندکی کار می‌کنند و حمایت از مؤسسه‌های آموزشی زبان روسی نیز به همین ترتیب محدود است (Wilson, 2021). در مقایسه، چین نه تنها هزینه تدریس زبان چینی در مؤسسه کنفوسیوس را پرداخت می‌کند بلکه طبق گزارش‌ها برای ۵۰۰۰ دانشجوی از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ کمک هزینه می‌دهد، برای دانشجویانی که واجد شرایط حضور در دانشگاه چین هستند (Liakin-Frolov, 2020).

جدول (۶): افکار عمومی در مورد روسیه و چین در آسیای مرکزی

کشورها	روسیه			چین		
	به شدت مثبت	تا حدودی مثبت	مثبت	به شدت مثبت	تا حدودی مثبت	مثبت
قزاقستان	۳۹ درصد	۴۷ درصد	۸۶ درصد	۱۷ درصد	۴۳ درصد	۶۰ درصد
قرقیزستان	۵۱ درصد	۴۲ درصد	۹۳ درصد	۱۳ درصد	۳۹ درصد	۵۲ درصد
ازبکستان	۱۹ درصد	۶۲ درصد	۸۱ درصد	۱۰ درصد	۵۹ درصد	۶۹ درصد
ترکمنستان	۷۳ درصد	۲۱ درصد	۹۴ درصد	۵۴ درصد	۳۰ درصد	۸۴ درصد

Source: (Laurette and Royce, 2020)

در جدول بالا، لورل و رویس افکار عمومی شهروندان کشورهای آسیای مرکزی نسبت به روسیه و چین را مورد بررسی قرار دادند. در این سنجش چین در آسیای مرکزی به خوبی مورد توجه است، اما به اندازه روسیه مورد توجه نیست. در هر کشور مورد بررسی (به جز تاجیکستان) ۵۴ تا ۸۴ درصد از پاسخ‌دهندگان، چین را مثبت یا عمدتاً مثبت ارزیابی کردند، در حالی که برای روسیه این محدوده بین ۷۳ تا ۹۴ درصد بود. رتبه‌های مثبت چین در قرقیزستان (۵۲ درصد) و قزاقستان (۶۰ درصد) نسبت به روسیه کمترین میزان را نشان می‌دهد. این داده‌ها نشان می‌دهد که میراث تاریخی روسیه در آسیای مرکزی گسترده است. در عین حال، علی‌رغم حضور چین هراسی (که احتمالاً عاملی برای محبوبیت پایین چین در قزاقستان و قرقیزستان بوده است)، اکثر پاسخ‌دهندگان به چین تا حدودی مثبت نگاه کردند. همچنین چین در نتایج نظرسنجی انجام شده توسط سنجش آسیای مرکزی و نظرسنجی ادغام بانک توسعه اوراسیا بین سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۲۰ به عنوان بازیگر محبوب‌تری نسبت به ایالات متحده ظاهر شد که در مجموع بیشترین رتبه‌های تأیید را در دولت‌ها دریافت کرد (Royce & Laurelle, 2020). از این رو، راهبرد قدرت نرم چین در

آسیای مرکزی به‌دنبال افزایش جذابیت در نگاه شهروندان عادی نیست، بلکه نخبگان سیاسی - اقتصادی نسل کنونی و آینده را مورد هدف قرار داده است. از سوی دیگر، تلاش‌های سیاسی روسیه در آسیای مرکزی نوعی وابستگی به مسیر را در پابندی به الگوهای دوران شوروی با تأکید بر ترویج زبان و ادبیات روسی و بزرگداشت رویدادهای دوران شوروی، مانند مراسم یادبودی که به یاد تزار کبیر می‌پردازد، می‌باشد، اما تلاش‌های سیاسی چین بسیار پویاتر است و فعالانه به‌دنبال ارتقای تصویر مثبت از چین به‌عنوان یک کشور توسعه‌یافته و از نظر فناوری پیشرفته است. تلاش‌های سیاسی چین در منطقه شامل فعالیت‌هایی مانند اهدای رایانه به یک آکادمی نظامی قزاقستان و راه‌اندازی شرکت فناوری هوآوی در ازبکستان است. چین همچنین با برنامه بلندپروازانه‌ای، مقام‌های کشورهای آسیای مرکزی را با تمام هزینه‌های سفر به چین که در هتل‌های مجلل اقامت می‌دهد و این دستاوردی سیاسی برای چین را نشان می‌دهد (Yau, 2020). با این وجود، به‌نظر می‌رسد این احساس در حال گسترش است که حضور چین در آینده تشدید می‌شود و این امر تعدادی از مزایای اقتصادی مثبت را به‌همراه دارد؛ منطقه‌ای که سرمایه‌گذاران زیادی را خارج از بخش منابع طبیعی (که البته مورد علاقه چین نیز هست) جذب نمی‌کند. چین نه‌تنها پیشرفت‌های زیرساختی را ارائه می‌کند که نوید اتصال آسیای مرکزی به اقتصاد جهانی را می‌دهد، بلکه امکان انتقال فناوری را نیز فراهم می‌کند. از این رو، دانشجویان کشورهای آسیای مرکزی (که نخبگان سیاسی آینده مناطق خواهند بود) تمایل دارند بر این باور باشند که تأثیر چین به‌طور کلی مثبت است و کمتر زیان به‌همراه دارد.

۶. جنگ روسیه و اوکراین، توازن رقابت به نفع چین

جنگ اوکراین چشم‌انداز سیاسی - جغرافیایی و اقتصادی بین‌المللی را به‌طور بنیادی تغییر داده است. از این رو یکی از مناطقی که در معرض تحول قرار گرفت، منطقه آسیای مرکزی است. جنگ در اوکراین چین را وادار کرد تا در گسترش نفوذ خود در اقیانوسیه و آسیای مرکزی و جنوبی فعال‌تر شود، درحالی‌که ایالات متحده و اتحادیه اروپا زیر بار سیاست‌های جنگ‌طلبانه در قبال روسیه و مشکلات اجتماعی و اقتصادی داخلی هستند.

درواقع، حمله مسکو به اوکراین خطر تضعیف تعادلی را که مسکو و پکن با موفقیت در آسیای مرکزی حفظ کرده‌اند به‌همراه داشته است. تقسیم‌کار غیررسمی

که در آن روسیه بازیگر اصلی امنیتی است و چین بر تعامل اقتصادی تمرکز می‌کند؛ که در حال حاضر با ورود پکن به مناطق امنیتی با چالش مواجه شده است که سرعت تغییرها می‌تواند شتاب بیشتری بگیرد (Avdaliani, 2022).

از نگاه واقع‌گرایانه تشدید تحریم‌های اقتصادی و مالی علیه روسیه و ایجاد سد اوکراین برای جلوگیری از افزایش نفوذ روسیه به سمت آسیای مرکزی، الگوی تبادل اقتصادی و مالی و صدور انرژی روسیه به سمت جنوب و شرق تغییر خواهد کرد. در این معادله، چین برنده اصلی خواهد بود، چون بدون درگیری نظامی با غرب و از طریق جنگ اوکراین، سرمایه‌های جهانی و زنجیره انتقال منطقه‌ای کالاها و سیاست کریدورهای اقتصادی جدید را با شتاب بیشتری به سمت آسیای مرکزی سوق داده و از این طریق روند تضعیف آمریکا در معادلات جهانی را تشدید می‌کند.

از سوی دیگر، این جنگ اتصال ترانزیتی یک موضوع کلیدی در دستور کار همکاری چین و آسیای مرکزی قرار داده است؛ چون که مسیر روسیه که توسط چین برای رسیدن به اروپا از طریق راه‌آهن استفاده می‌شود، به دلیل تحریم‌های ضد روسیه دچار مشکل شده و به‌طور طبیعی، پکن به دنبال مسیرهای جایگزین برای تضمین جریان‌های تجاری بدون مانع است. این امر قزاقستان را در موقعیتی سودمند قرار داده است؛ زیرا کریدور میانی که از ترکیه تا دریای خزر امتداد دارد بدون بنادر قزاقستان قابل اجرا نخواهد بود. از این رو، نشانه‌های اولیه ایجاد کریدور میانه کاملاً امیدوارکننده است. پیش‌بینی می‌شود که حمل‌ونقل محموله در سراسر آسیای مرکزی و قفقاز شش برابر شود و به ۳,۲ میلیون تن در سال افزایش یابد. در ماه آوریل، مرسک، یک شرکت کشتیرانی دانمارکی، در واکنش به تغییر وضعیت ژئوپلیتیکی در اوراسیا، خدمات قطار جدیدی را در امتداد کریدور میانه راه‌اندازی کرد (Avdaliani, 2022).

این تحولات همچنین همکاری بین بازیگران منطقه‌ای در طول مسیر را تشویق می‌کند. چین و قزاقستان در تقویت مجدد کریدور میانی به دنبال حمایت بیشتر از سوی دیگر بازیگران یعنی ترکیه هستند. چون که تلاش برای تنوع بخشیدن به روابط سیاسی و اقتصادی، شتاب مطلوبی به منطقه ایجاد می‌کند. همچنین، افزایش قابل توجهی در دیپلماسی فعال از سوی آنکارا وجود داشته است که به دنبال سرمایه‌گذاری از تحولات با سفرهای سیاسی و تعهد برای تقویت تجارت دوجانبه میان کشورهای ترک است. از این رو، زمانی که علاقه فزاینده به دور زدن روسیه در پیام‌هایی قزاقستان به آنکارا منعکس شد، دو کشور از همکاری در حمل‌ونقل و

لجستیک، رشد ترانزیت کالا از طریق راه‌آهن باکو - تفلیس - قارس تمجید و بر اهمیت کریدور میانی تأکید کردند (Avdaliani, 2022).

از سوی دیگر، جنگ فرصت‌های بزرگی را برای چین باز کرده است. پکن نمی‌خواهد شکست کامل روسیه را ببیند بلکه روسیه تضعیف شده مسکو را از غرب دور می‌کند و به پکن به‌عنوان «شریک کوچک‌تر» چین نزدیک‌تر می‌شود، این دقیقاً همان چیزی است که چین این رابطه را در طول سال‌ها دیده است. علاوه‌براین، جنگ واکنش‌های سیاسی، اقتصادی و مالی را از سوی اروپا و ایالات متحده به راه انداخته است. این افشای توانایی‌های تحریم‌های غرب، محدودیت‌ها و «خط قرمزهای» غرب، اطلاعات ارزشمندی را در مورد سازوکارهای واکنش آمریکا و اتحادیه اروپا و اراده آنها برای فراتر رفتن از دیپلماسی سنتی و استفاده از ابزارهای غیرمستعارف اعمال فشار در اختیار چین قرار می‌دهد. این اطلاعات به‌ویژه برای چین در تعیین نحوه واکنش این کشور در صورت رویارویی گسترده با غرب، به‌عنوان مثال بر سر تایوان، حیاتی است (Kusa, 2022).

بنابراین می‌توان گفت موضع چین و پاسخ به جنگ روسیه و اوکراین تضعیف نسبی روسیه در جنگ و تحریم‌های غرب و آمریکا است. چیزی که چین آماده پذیرش آن است؛ زیرا این امر روسیه را بیشتر به چین وابسته می‌کند و پکن را قادر می‌سازد روسیه را به‌عنوان یک «منبع دارایی» به حساب بیاورد و حضور خود را در بازار روسیه در بخش‌های کلیدی صنعتی و اقتصادی گسترش دهد. از این‌رو، جنگ در اوکراین ضربه سنگینی به معماری امنیتی پس از جنگ سرد که تحت سلطه متحدان غربی بود، وارد کرد و فرصت‌هایی را برای طراحی مجدد آن ایجاد کرد. این امر به‌ویژه برای چین جالب است؛ زیرا پکن مایل است این کار را در شرایطی برابر و احتمالاً تنها پس از توافق با ایالات متحده و اتحادیه اروپا انجام دهد و سیاست خارجی خود را بر فشار برای آنچه که رهبری آن را نظم جهانی چندقطبی عادلانه‌تر و نماینده‌تر می‌داند متمرکز کند. در چنین نظمی، ایالات متحده سلطه جهانی خود را از دست خواهد داد.

نتیجه‌گیری

روابط روسیه و چین بر اساس ارزش‌های ایدئولوژیک مشترک و همچنین درک عمل‌گرایانه نه‌تنها در زمینه‌های سیاسی، بلکه در زمینه‌های اقتصادی و نظامی است. حوزه‌های امنیتی، اختلاف فزاینده در توانمندی‌های قدرت بین دو کشور با موضع

قاطعانه فزاینده سیاست خارجی چین همراه است. علاوه بر این، چین نسبت به روسیه (با بسیاری از بازیگران دیگر از جمله ایالات متحده) مدافع سرسخت‌تر جهانی‌سازی و مزایای تجارت آزاد است. نقش اقتصادی رو به گسترش چین در آسیای مرکزی در جهت‌گیری مجدد منطقه به چین در حوزه اقتصادی مشخص است، وضعیتی که چالشی مستقیم برای روسیه ایجاد می‌کند. در واقع، این دو کشور بیشتر به‌عنوان بازیگران خودمختار در آسیای مرکزی با هم همکاری می‌کنند؛ زیرا شواهد نشان نمی‌دهد چین به دنبال کاهش منافع روسیه در منطقه باشد، اما در عوض سیاستی برای تعقیب منافع خود برای اهداف خود اتخاذ می‌کند.

باین شرایط، چین مایل است به ابتکارات روسیه، مانند پیوستن اتحادیه اقتصادی اوراسیا به طرح یک کمربند - یک راه تن دهد، این اقدام‌های کم‌هزینه‌ای است که هیچ‌گونه قربانی برای چین ندارد و نشان‌دهنده تمایل عمیق چین به تبعیت از دوستی سیاسی به تحقق اهداف اقتصادی نیز می‌باشد. چون که، «از دست دادن اوکراین به غرب» باعث افزایش اهمیت آسیای مرکزی برای روسیه به‌عنوان یک حوزه نفوذ در فضای پس از فروپاشی شوروی خواهد شد. است، از این رو موقعیت روسیه در این منطقه از چین برتری می‌یابد؛ بنابراین، درک روشنی در پکن از نگرانی‌های امنیتی روسیه در جنگ با اوکراین وجود دارد و این کشور احتمالاً به «دیپلماسی از راه دور» خود ادامه می‌دهد و از حمایت مستقیم از روسیه اجتناب می‌کند؛ زیرا نسبت به تحریم‌های غرب محتاط است. علاوه بر این، چین روسیه را برای نوسازی اقتصاد ملی خود حیاتی نمی‌بیند. برای این، پکن به‌وضوح آینده اقتصادی و فناوری خود را در بازارهای اروپایی می‌بیند.

منصفانه است که بگوییم موضع چین در مورد جنگ روسیه و اوکراین ربطی به اوکراین ندارد، بلکه باید از دریچه رقابت ژئواستراتژیک چین با ایالات متحده نگریسته شود. آینده اوکراین یک موضوع ثانویه است. به همین دلیل بعید است که چین به هیچ تحریمی علیه روسیه بپیوندد؛ نه به این دلیل که پکن از تهاجم نظامی مسکو به اوکراین حمایت می‌کند، بلکه به این دلیل که پیوستن به این تحریم‌ها به معنای تسلیم شدن در برابر اراده ایالات متحده است که برای پکن غیرقابل قبول است.

فهرست منابع

- ارغوانی پیر سلامی، فریبرز و علی‌پور، حسین (۱۴۰۱). فرصت‌ها و چالش‌های دیپلماسی اقتصادی چین در آسیای مرکزی. *پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل*، ۱۱(۲۱)، ۲۷-۵۸.
- چگنی‌زاده، غلامعلی و رضوی، حسین (۱۴۰۱). ابتکار کمربند - راه و آثار راهبردی آن بر مناسبات هند و چین (۲۰۲۲-۲۰۱۳). *فصلنامه روابط خارجی*، ۱۴(۲)، ۱-۳۲.
- دهشیری، محمدرضا و سعدآبادی، بهنام (۱۳۹۸). تأثیر تعارض در روابط چین و روسیه بر احیای سنت غرب‌گرایی در روسیه. *مطالعات اوراسیای مرکزی*، ۱۲(۱۲)، ۳۲۷-۳۴۷.
- رئیس‌نژاد، آرش و بوشهری، مصطفی (۱۴۰۱). مثلث جاده ابریشم نوین: چین، روسیه و اروپا. *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، ۸(۱۱۸)، ۱۲۷-۱۵۲.
- صفری، عسگر و رادگودرزی، معصومه (۱۴۰۰). همکاری‌های چین و روسیه: تحلیلی از منظر تئوری انتقال قدرت. *فصلنامه روابط خارجی*، ۱۳(۲)، ۲۶۹-۳۰۸.
- AIIB. (2021). Asia Infrastructure Investment Bank. *Our Projects*. Project List. <https://www.aiib.org/en/projects/list/index.html>.
- Avdaliani, Emil (2022). *Russia's War Creates Opportunities for China in Central Asia*. Available at: <https://chinaobservers.eu/russias-war-creates-opportunities-for-china-in-central-asia/>
- Bobo, Lo. (2008). *Axis of Convenience: Moscow, Beijing, and the New Geopolitics*. Washington, DC: Brookings Institution Press.
- CIA World Fact Book (2022). *Economy China and Russia*. <https://www.cia.gov>
- Hashimova, Umida (2021). *Before and Beyond 5G: Central Asia's Huawei Connections*. The Diplomat.
- Hess, Maximilian (2020). Russia and Central Asia: Putin's Most Stable Region?. *Orbis*, 64(2), 421-433.
- Jardin, Bradley & Edward Lemon (2020). In Russia's Shadow: China's Rising Security Presence in Central Asia. *Kennan Cable*, (52), Wilson Center.
- Kaczmarek, Marcin (2020). The Sino-Russian Relationship and the West. *Survival*, 62(6), 199-212.
- Kerimbaev, Erzhan; Mukhametkhanuly, Nabizhan and Turgenbay, Aynur and Zaura Nabizhankyz (2020). *Main Factors of China's Soft Power in Central Asia*. Central Asia and the Caucasus. https://www.cac.org/online/2020/journal_eng/cac-01/02.shtml
- Kusa, Iliya (2022). *China's Strategic Calculations in the Russia-Ukraine War*. Kennan Institute, available at: <https://www.wilsoncenter.org/blog-post/chinas-strategic-calculations-russia-ukraine-war>

- Laurelle, Marlene & Dylan Royce (2020). No Great Game: Central Asia's Public Opinion on Russia. *China and the U.S. Kennan Cable Wilson Center*, (58), August 1, 2022.
- Leskina, Natalia & Emma Sabzalieva (2021). *Constructing a Eurasian Higher Education Region: 'Points of Correspondence' between Russia's Eurasian Economic Union and China's Belt and Road Initiative in Central Asia*. Eurasian Geography and Economics, DOI: 10.1080/15387216.2020.1866997
- Liakin-Forolov, Igor (2020). *Rossiia usilivaet gumannitarnoe sotrudnichestvo v sfere Tadjikistanskogo obrazovaniia i prodolzhaet aktivno vystupat' za sokhrannost' russkogo iazyka v regione*. zaiavil Posol RF PT Igor' Liakin-Frolov. February 11, 2021. https://www.mid.ru/ru/maps/tj/-/asset_publisher/VfByAd5UOwu3/content/id/4034071
- Lo, Kinling (2020). *China Increases its Presence in Russia's Former Central Asian Backyard*. South China Morning Post, August 2022.
- Lobell, S. E. (2010). *Structural Realism/Offensive and Defensive Realism*. Oxford Research Encyclopedia of International Studies. Retrieved: June 4, 2022.
- Otorbaev, Djoomart (2021). *Do Russia and China Have Coordinated Strategies Towards Central Asia?*. Valdai Discussion Club, January 12, 2021.
- Pantucci, Raffaello (2019). The Dragon's Cuddle: China's Security Power Projection into Central Asia and Lessons for the Belt and Road Initiative. In *Securing the Belt and Road Initiative: China's Evolving Military Engagement Along the Silk Roads*, (80). 59-70.
- Putin, Vladimir (2019). *Zasedanie Diskussionnogo Kluba Valdai (meeting of the Valdai Discussion Club)*. <http://kremlin.ru/events/president/news/61719>
- Savin, Igor (2020). *Rossiia i Obespechenie Bezopasnosti Stran Tsentral'noi Azii: Interv'y u Igorem Savinom*. CAA Network. <https://caa-network.org/archives/19532>.
- Shih, Gerry (2019). *In Central Asia's Forbidding Highlands, a Quiet Newcomer: Chinese Troops*. The Washington Post.
- Skalamera, Morena (2018). Explaining the 2014 Sino-Russian Gas Breakthrough: The Primacy of Domestic Politics. *Europe-Asia Studies*, 70(1), 90-107.
- Sukhankin, Sergei (2020). The Security Component of the BRI in Central Asia, Part Two: China's (Para) Military Efforts to Promote Security in Tajikistan and Kyrgyzstan. *China Brief*, 20(14), August 12, 2022.
- Trade Map (2021). *Bilateral Trade Between China and Central Asian Republics*. (observed at: 2022/08/13). available at: https://www.trademap.org/Bilateral_TS.aspx?nvpm
- Umarov, Temur (2021). *Dangerous Liaisons: How China is Taming Central Asian Elites*. Carnegie Moscow Center.
- Van Der Kley, Dirk (2020). Chinese Companies Localization in Kyrgyzstan

- and Tajikistan. *Problems of Post-Communism*, 67(3), 241-250.
- Wilson, Jeanne L. (2021). Russia and China in Central Asia: Deepening Tensions in the Relationship. *Acta Via Serica*, 6(1), 55-90.
- World Bank (2021). *International Debt Statistics*. Data. <https://datatopics.worldbank.org/debt/ids/>
- Yau, Niva Tsz Yan (2020). *Governance Effects of China in Central Asia*. Program Event. Foreign Policy Research Institute.